

تاریخچه فراماسونری در ایران و جهان

این روزها سخن از افشا شدن سازمان فراماسونری فراوان است، برای پی بردن به اسرار این سازمان جاسوسی نظر شمارا به این مقاله جلب می کنیم.

« ماسون » یا « فراماسون » در لغت به معنای کارگر ساده یا شاگرد بنا می باشد و در اصطلاح به اعضای يك تشکیلات سری سیاسی گفته می شود، که امروزه حتی در کادر رهبری ایرقدرتها نیز رخنه کرده است.

اعضای این تشکیلات سری و « ماسون » (Macon)، « فراماسون » (Franc-Macon) « فارماسون » (Farmicon) « فری ماسون » (Free-Macon) و در ایران « پناهان آزاد » و « اهل فراموشخانه » می نامند .

می گویند آغاز پیدایش این گروه به عهد حضرت سلیمان (ع) منسوب است! بر اساس يك افسانه ای اسرائیلی ، هنگامی که حضرت سلیمان نخستین قبله مسلمانان (بیت المقدس) را بنا می کرد، کارگری بنام «استاد هیرام» (Hiram) در آنجا کاره میکرد. وی برای اینکه اسرار و رموز معماری بدست « اشیار » نیفتد، دست به تشکیل يك سازمان سری زد. اعضای

این سازمان موظف بودند که اسرار معماری را از اغیار مخفی دارند و مانع نفوذ بیگانگان در این سازمان باشند. از این رهگذر رموز و اشاراتی برای شناسایی همدیگر تعیین کردند.

در عهد حضرت سلیمان و در دوران ساختمان آن معبد بزرگ، این سازمان، نقطه جنبه فنی و حرفه‌ای داشت، بتدریج از صاحبان حرفه و فنی به عضویت این سازمان درآمدند و با گذشت زمان بر نفوذ و قدرت، ویرکم و کیف این تشکیلات افزودند و از هر صنعت و مسلکی اشخاصی را، با رعایت اصول و مقاصد خود، به عضویت این سازمان پذیرفتند.

این سازمان در ترون وسطی کارهای بانکی آن زمان را در اروپا، از قبیل نقل و انتقال پول و حواله‌ها در بین شهرها و کشورهای، بهره‌ده داشت و در هر شهر و محلی، با اصطلاح امروز، آژانس‌هایی داشت که کارهای خود را کاملاً محرمانه و ظاهراً صادقانه، انجام می‌دادند تمام روابط اعضای سازمان با یکدیگر با اشارات و رموز انجام می‌گرفت.

در ارتباط با توده‌های مختلف، تجربه می‌اندوختند و بر شمع و نفوذ قدرت خود می‌افزودند در این زمینه بیش از همه، از تشکیلات سری اسماعیلیه و فراماسون، تقلید و اقتباس نمودند. و هر جا شخصی کاروان و رازداری پیدا کردند به عضویت این سازمان درآمدند و دامنه فعالیت خود را به اسرار ممالک دنیا گسترش دادند. و در صدد برآمدند که به ثروت اندوختن و کثافت‌کنند، بلکه در کارهای و خبری جهان نیز رخنه کنند، آنگاه با زر و زور و تزویر فراوان که در اختیار داشتند، احزاب سیاسی را خریدند. آنانکه احیاً با زور و زور تسلیم نمی‌شدند با وعد و وعید مجبور به تسلیم کردند.

نگارنده معتقد است که این سازمان شیطنانی از روز نخست برای همین منظور تأسیس شده، و داستان «استاد هیرام» افسانه‌ای بیش نیست. و طبق مدارکی که در دست هست، خود ماسونیا به این انسان معتقد نیستند، بلکه آنرا ساخته‌اند، تا دیگران را اغفال کنند، و سرپوشی به روی برنامه‌های سری و نقشه‌های شیطنانی خود بگذارند.

مخالف ماسونیا

اعضای این سازمان در هر شهری که باشند، به تناسب تعداد افراد وابسته، محفل نامی می‌کنند و یک عنوان ادبی زیبایی مانند فضیلت، روشنائی، آزادی و... بر آن می‌نهند.

جز اعضاء کسی حق ورود به محفل را ندارد، و اعضاء آن به هنگام ورود، گشسته از آرم فراماسونری که عبارت از یک برگار و گونیاست (که غالباً بر انگشتش می‌کنند) با به روی کراوات و یا کلاه خود نسب می‌کنند) باید با اشارات و رموز خاص، دربان و نگهبان محفل را مطمئن سازد که عضو محفل است، تا بتواند داخل شود. بعد از ورود نیز

چند عقیبه می‌گذرد که در هر یک مورد سوال و جواب واقع می‌شود و به هنگام انعقاد جلسه رسمی، یکبار دیگر تفتیشی بعمل می‌آید، آنگاه جلسه وارد دستور می‌شود.

تمام رموز و استعارات این سازمان به زبان عبری و مقداری هم به لاتینی (روم قدیم) و یونانی است علاوه بر رموز لطنی، یک سلسله ره‌وزات اشاره‌ای هم دارند که برای شناختن یکدیگر بکار می‌برند. در محافل و مجالس با طرز نشست و برخاست، و با حرکات دستها و طرز مصافحه، به طرف مقابل می‌نمایند که من از این تشکیلات هستم. اگر طرف نیز از آن سازمان باشد، با اشارات او بی می‌برد و با اشاره مقابل می‌فهماند که من نیز وابسته تشکیلات هستم.

در یک عکس تاریخی که بس از جنگ جهانی دوم در مجله «پاریماج» (Parismatch) منتشر گردید، تعدادی از نمایندگان اروپایی و آفریقایی در حال تبادل اشارات ماسونیکری دیده می‌شدند از این میان «هایلاسلاسی» امپراطور سابق حبشه، قابل ذکر است.

مراحل فراماسونری

سلسله مراتب این سازمان سی و سه درجه می‌باشد، که هر درجه‌ای عنوان خاصی دارد و غالباً از تاریخ یهود و ائساندهای اسرائیلی اخذ شده، و تعداد کمی ریشه شرقی یا اروپایی دارد. عالی‌ترین درجه فراماسونری «مشرق اعظم» نامیده می‌شود، و هر مرتبه‌ای از اسرار مرتبه دیگری خیر است، و بدین ترتیب هر درجه‌ای با یک متد شیطنانی خاص اشاره می‌شود و ارتقاء به درجات بالاتر، با گذشت زمان، و ابراز ایقت و کفایت در مسائل ماسونیکری امکان‌پذیر است.

ممکن است برخی با ابراز درایت و کفایت خاصی، چند مرتبه را یکجا طی کنند، و برخی ممکن است تا پایان عمر از مرحله سوم نگذردند.

در مراحل ابتدایی، عقاید دینی چندان مطرح نیست، ولی در مراحل بالاتر، بویژه نسبت به بالا ایده و عقیده پشت تحت مراقبت و کنترل قرار می‌گیرد.

هر یهودی عضو طبیعی دستگاه فراماسونری است، و لذا به هنگام قید عضویت آنها چندان تفحص و بررسی نمی‌شود، اما در ملت‌های دیگر باید از هفت خان رستم بگذرد و لذا در تمام ممالک دنیا بالاترین درجات فراماسونری، در دست یهودیهاست!

مهمترین عامل پیشرفت یک عضو، مشاقت «کامل عیار» بودن، و هر لحظه به رنگی درآمدن، و از قید دین و آئین آزاد بودن است. (در ناموس آنها، هر چه بیدین تر بهترا)

دستگاه فراماسونری، زمانی بالاترین و معظمین ترین دستگاه جاسوسی برای امپراطوری انگلستان بود. و حالا در دست در خدمت اسرائیل می‌باشد و فرقه یبائی فعالترین و صدیق‌ترین خدمتگزار این دستگاه است.

ادامه دارد

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله علمی و پژوهشی
سال نوزدهم شماره سوم